



Corporate Governance and its Role in Performance Improvement and Reducing Fraud in Islamic Banking

Leila Zamanianfar*

Mohammad Reza Mahdyar Ismaili**



10.30497/ifr.2023.244149.1800

20.1001.1.22518290.1402.12.5.4.1



Abstract

In general, good and appropriate corporate governance in banks is considered one of the most important tools to prevent fraud and corruption. Investigations indicate that in various countries, despite the weakness of corporate governance, corruption and financial fraud have increased, and as a result, the performance of banks has decreased. On the other hand, the issue of corporate governance has attracted the attention of economic and accounting professionals in recent decades, and in many countries, strict regulations have been established to improve corporate governance in Islamic banking. The question raised in the present study is whether it is possible to maintain and improve the financial performance of Iranian banks and reduce fraud by using corporate governance procedures. This article is compiled with the aim of reviewing the theoretical foundations and existing research literature on good corporate governance and its role in improving performance and reducing fraud in Islamic banking. The research method is based on promotion and dissemination as well as summarizing and inferring the topics and ideas of other researchers. In this article, an attempt is made to present the theoretical and scientific foundations of corporate governance, performance improvement, fraud and the importance of the Sharia Supervisory Board. Surveys indicate that interest-free banking requires a regulatory structure and corporate governance, and the creation of a suitable and strong corporate governance mechanism will probably motivate banks to participate in economic activities and financing in a more appropriate way. Also, the implementation of corporate governance is a solution to prevent fraud and finally, corporate governance significantly affects the performance of Islamic banks.

Keywords

Corporate Governance; Fraud; Performance Improvement; Islamic Banking; Sharia Supervisory Board.

JEL Classification: G21, G29, G34, L21, L25.

* Accounting Postdoctoral Researcher, Accounting Department, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran (Corresponding Author).

l.zamanianfar@yahoo.com

0000-0003-3646-5478

** Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

esmaeili_eco@yahoo.com

0000-0003-1350-9466

Received: 2023/01/11

Accepted: 2023/07/08

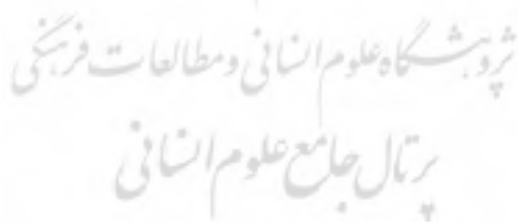
حاکمیت شرکتي و نقش آن در بهبود عملکرد و کاهش تقلب در بانکداری اسلامی

لیلا زمانیان فر* محمدرضا مهدیار اسماعیلی**

چکیده

به‌طورکلی، حاکمیت شرکتي خوب و مناسب در بانک‌ها، از مهم‌ترین ابزارهای جلوگیری از تقلب و فساد محسوب می‌شود. بررسی‌ها حاکی از آن است که در کشورهای مختلف و باوجود ضعف حاکمیت شرکتي، فساد و تقلب مالی افزایش یافته و به دنبال آن عملکرد بانک‌ها کاهش یافته است. از سوی دیگر، موضوع حاکمیت شرکتي طی چند دهه اخیر، توجه متصدیان اقتصادی و حسابداری را به‌طور قابل‌توجهی به خود جلب نموده و در بسیاری از کشورها، قوانین سخت‌گیرانه برای بهبود حاکمیت شرکتي در بانکداری اسلامی وضع شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در مطالعه حاضر طرح می‌شود این است که آیا با استفاده از حاکمیت شرکتي می‌توان عملکرد مالی بانک‌های جمهوری اسلامی ایران را حفظ و ارتقاء بخشید و زمینه تقلب را کاهش داد. در این مقاله، تلاش می‌شود مبانی نظری و دانشی حاکمیت شرکتي، بهبود عملکرد، تقلب و اهمیت هیأت نظارت شرعی ارائه شود. بررسی‌ها حاکی از آن است ایجاد سازوکار حاکمیت شرکتي مناسب و قوی احتمالاً انگیزه‌ای در بانک‌ها برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و تأمین مالی به شکل مناسب‌تری به همراه خواهد داشت و راه‌حلی برای جلوگیری از تقلب محسوب می‌شود و حاکمیت شرکتي به‌طور قابل‌توجهی بر عملکرد بانک‌های اسلامی تأثیر می‌گذارد.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتي؛ تقلب؛ بهبود عملکرد؛ بانکداری اسلامی؛ هیأت نظارت شرعی.



* پژوهشگر پسادکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران
(نویسنده مسئول) 0000-0003-3646-5478 id

** استادیار، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
0000-0003-1350-9466 id

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

به‌طور کلی، بانک‌ها مهم‌ترین منبع تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی محسوب می‌شوند و نقش خطیر خود در رشد و توسعه اقتصادی کشور را همچنان حفظ کرده‌اند. از سوی دیگر، ایفای این نقش کلیدی تنها در یک بخش بانکی باثبات و کارا با امکان جذب و تخصیص بهینه ذخایر و منابع مالی جامعه ممکن خواهد شد. (شاه‌کرمی و دیگران، ۱۴۰۰). افزون بر این، حاکمیت شرکتی در دوران معاصر با رشد و توسعه شرکت‌ها در اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور اهمیت بیشتری یافته و تقریباً توسط همه جوامع و شرکت‌ها به‌عنوان عامل اصلی بهبود عملکرد مالی شرکت مورد تأیید قرار گرفته است (Khan, Al-Jabri & Saif, 2021). در واقع، پیچیدگی فعالیت بانک‌ها باعث شده، عدم تقارن اطلاعاتی افزایش یافته و قدرت نظارت سهامداران بر مدیریت بانک‌ها کاهش یابد. علاوه بر آن، تضاد منافع درون بانک بین سپرده‌گذاران و سهامداران وجود دارد. در واقع، سهامداران به طرح‌های پرریسک تمایل دارند تا ارزش سهام خود را در مقابل افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری افزایش دهند، اما سپرده‌گذاران ریسک‌گریز هستند. از این‌رو، به نظر می‌رسد اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به بهبود عملکرد بانک کمک نماید، اما برقراری و اجرای حاکمیت شرکتی خوب بدون برقراری سازوکار کنترل داخلی مناسب نظیر داشتن بخش نظارتی مقتدر و اعمال کنترل توسط هیأت‌مدیره مستقل و سهامداران امکان‌پذیر نیست (تقوی، احمدیان و کیانوند، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر، تقلب به‌عنوان یکی از مشکلات متعدد دنیای تجارت امروز محسوب می‌شود. افزایش میزان تقلب در بخش بانکی به پدیده جهانی مبدل شده که رشد روزافزون آن نیازمند راه‌حل فوری است. این موضوع با توجه به مبالغ هنگفت پول و پیامدهای نامطلوب آن بر اقتصادهای جهانی حائز اهمیت است (AbdulRasheed, Babaita & Yinusa, 2012). در واقع، تقلب به‌عنوان جرم فریب دادن به‌منظور کسب پول یا کالا به‌صورت غیرقانونی تعریف شده است. آینا^۱ (۲۰۰۴م) استدلال می‌کند که تقلب یکی از دلایل عملکرد ضعیف اقتصادی و افزایش فقر در اکثر کشورهای در حال توسعه است. اگرچه تقلب یک پدیده جهانی محسوب می‌شود و کشورها از نظر مالی متحمل زیان‌های شدیدی شده‌اند (Dagaci, 2011). همچنین، تقلب مالی تهدید مهمی است که

کسب و کارها و افراد کشورها در هر بخش از اقتصاد مرتکب شده‌اند و با تأثیر گسترده بر کل اقتصاد، زیان مالی هنگفتی به آن وارد می‌کند که موضوع تقلب و کلاه برداری از موارد حائز توجه است. برخی از موارد معروف کلاه برداری و تقلب در نظام بانکداری اسلامی عبارتند از: بانک اسلامی آفریقای جنوبی که در سال ۱۹۹۷ میلادی سقوط کرد، مرکز مالی آیپلاس^۲ که ترکیه در سال ۲۰۰۱ میلادی تعطیل شد و موارد مختلف کلاه برداری که منجر به زیان در بانک اسلامی دبی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ شد. همه این موارد نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت حاکمیت شرکتی خوب در بانک‌های اسلامی است (Hafeez, 2013). در واقع، حتی اگر ارزش‌های اسلامی از حقوق سهامداران حمایت نماید، بانک‌های اسلامی همچنان نیاز به ایجاد حاکمیت شرکتی دارند (Chapra & Ahmed, 2002). در واقع، بانک‌ها به‌عنوان سازمان خاص مطرح هستند و حاکمیت شرکتی بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی در مقایسه با حاکمیت شرکتی عمومی غیربانکی نیز خاص است. شواهد تجربی که عمدتاً پس از بحران مالی جمع‌آوری شده است، تأییدکننده این موضوع است که بانک‌هایی که حاکمیت شرکتی خوب را به سبک سنتی و سهامدارمحور اعمال می‌کنند، نسبت به بانک‌هایی که هیأت‌مدیره‌های آن‌ها کمتر سهامدار هستند و از نفوذ سهامداران کمتری برخوردارند، عملکرد پایین‌تری داشتند. حاکمیت ویژه بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی به‌طور جدی در قوانین و مقررات نظارتی بانک‌ها گنجانده شده است. از این رو، اخیراً بحث‌های شدیدی در مورد صنعت بانکداری به وجود آمده است (Hopt, 2021).

افزون بر این، استفاده از حاکمیت شرکتی در بانک‌ها نقش مهمی در بهبود عملکرد ایفا می‌کند، از جمله:

✓ افزایش توانایی بانک در جذب سپرده. با توجه به اینکه میزان تعهد بانک‌ها به اعمال اصول حاکمیتی به یکی از معیارهای سرمایه‌گذاران و معامله‌گران در ملاحظات خود در اتخاذ تصمیمات اشتغال و سرمایه‌گذاری تبدیل شده، بانک‌های مجری حکمرانی خوب زمانی از مزیت رقابتی برای جذب سرمایه نسبت به بانک‌هایی برخوردارند که از این اصول استفاده نمی‌کنند. در واقع، توانایی آن‌ها را برای رقابت در بلندمدت افزایش می‌دهد.

✓ افزایش توانایی بانک در تخصیص منابع ادغام‌شده براساس بهترین شکل‌های ممکن استفاده از حاکمیت شرکتی، بانک‌ها را قادر می‌سازد تا علاوه بر حاکمیت شرکتی، مدیریت ریسک صحیح و بهبود اثربخشی تخصیص منابع را تقویت نمایند. این فرآیند، نقش مهمی در بانک‌های دولتی با کمک به آنها برای اطمینان از عدم اتخاذ تصمیم اقتصادی برای اعطای وام براساس ملاحظات سیاسی، با تکیه بر اصول حاکمیت، شفافیت، پاسخ‌گویی، افشاگری ایفا می‌نماید (Al Muhaisen & Alobidyeen, 2022).

از سوی دیگر، اگرچه مطالعات زیادی در مورد حاکمیت شرکتی وجود دارد، ولی به‌نظر می‌رسد آنچه محیط بانکی ایران فاقد آن است، مطالعه حاکمیت شرکتی و نقش آن در بهبود عملکرد و کاهش تقلب در بانک‌های اسلامی ایرانی و همچنین، مشکلات مربوط به تقلب بوده که در حال افزایش است. از این‌رو، حاکمیت شرکتی اهمیت بیشتری برای بانکداری اسلامی دارد، زیرا اساس بانکداری در پرورش اعتماد و اعتبار نهفته است. هدف این است که حداکثر حمایت از همه ذی‌نفعان به‌ویژه مشتریان یا سپرده‌گذاران فراهم شود. حاکمیت شرکتی ضعیف می‌تواند منجر به کلاهبرداری و تقلب شود، همان‌طور که در چندین بانک اسلامی نیز در جهان این موضوع رخ داده است. از این‌رو، اعمال اصول حاکمیت شرکتی خوب برای همه مؤسسات از جمله بانک‌ها و مؤسسات مالی مانند بانک‌های اسلامی ضروری است و ارتباط با مسئولیت جامعه در قبال فعالیت‌های عملیاتی بانک است که انتظار می‌رود کاملاً با مقررات قابل اجرا مطابقت داشته باشد (Cholisoh & Hadziq, 2021). این مطالعه سعی دارد حاکمیت شرکتی و نقش آن در بهبود عملکرد و کاهش تقلب در بانکداری اسلامی را مورد بررسی قرار دهد.

۱. روش‌شناسی پژوهش

مقاله حاضر مبتنی بر روش پژوهش اسنادی با تکیه بر تحقیقات کتابخانه‌ای و استنتاج منطقی حاصل از مقایسه گزاره‌های علمی انجام‌شده که نتیجه آن توسعه دانش بانکداری، حسابداری است. در این مقاله قصد داریم به بیان حاکمیت شرکتی خوب و نقش آن در عملکرد بانک‌ها، تقلب و تبانی، نظارت شرعی و نقش هیأت نظارت شرعی در بهبود عملکرد و کاهش تقلب و تبانی در بانک‌ها بپردازیم.

۲. مبانی نظری و دانشی

۲-۱. حاکمیت شرکتی خوب

رشد کشورهای در حال توسعه در قرن ۲۱ به عنوان عصر جهانی شدن با رشد جمعیت جهان مواجه شد که همچنان این رشد و حرکت پویایی در حال تداوم است. از این رو نبردی عظیم در اقتصاد جهانی شکل گرفته است. به همین ترتیب، بانکداری اسلامی نیز در بخش‌هایی از جهان، به ویژه در ایران در حال رشد است. به اعتقاد مینگکا^۳ (۲۰۱۱) به سیستم مدیریت بانکی قابل اعتماد، نیز نیاز است که یکی از آن‌ها، اجرای حاکمیت شرکتی خوب است. هدف از حاکمیت شرکتی خوب، جلوگیری از انواع مختلف ریسک و زیان است و در صورتی که این موضوع در نظر گرفته نشود، به درک مسائل شرعی و اسلامی در آینده آسیب وارد می‌کند و بانک‌های اسلامی را تا مرز سقوط پیش خواهد برد (Sehen, Abbaszadeh & Salehi, 2022).

از سویی، مطالعات حاکمیت شرکتی انجام شده توسط «مؤسسه مطالعات و آموزش اسلامی»^۴ در بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف نشان داد که پیاده‌سازی و اجرای حاکمیت شرکتی خوب به درستی اعمال نشده است. در حالی که اجرای حاکمیت شرکتی خوب در مؤسسات مالی اسلامی در جهان اسلام می‌تواند اعتماد عمومی به بانک‌های اسلامی را افزایش دهد. همچنین، عدم اجرای اصول شرعی باعث می‌شود مشتریان تا ۸۵ درصد به بانک‌های دیگر روی آورند (Chapra & Ahmed, 2002). به عنوان نمونه: «بانک اسلامی دبی» که حدود ۳۰۰ میلیارد دلار به دلیل صورت‌های مالی نامناسب ضرر کرد و بانک اسلامی آفریقای جنوبی که در سال ۱۹۹۷ میلادی با بدهی‌های بین ۵۰ تا ۷۰ میلیون درهم و به دلیل مدیریت ضعیف سامانه‌های حسابداری و مدیریتی ورشکست شد (Rini, 2014). وجود این موارد ثابت نموده، هیچ تضمینی وجود ندارد که مؤسسات اسلامی، به ویژه بانک‌های مبتنی بر شرع، از تقلب و اعمال متقلبانه در امان باشند. بنابراین، باید این موضوع را درک نمود که نمادهای دینی تضمین‌کننده یک نهاد پاک از رفتار فاسد نبوده‌اند؛ همچنین لازم است پیش از این به اشخاص ذی‌ربط یادآوری شود که نسبت به این موضوع متعهد شوند تا از هرگونه تخلفی مانند تأمین مالی متقلبانه جلوگیری شود که اخیراً

3. Mingka

4. Islamic Research and Training Institute (IRTA)

در بانک‌های اسلامی رخ داده است. سیستم حاکمیت شرکتی باید حاکی از بهینه‌سازی نتایج مالی با تأکید بر رفاه سهامداران باشد. بنابراین، اگر همه بازیگران و رابطه بین اجزای حاکمیت شرکتی به‌خوبی پیش برود، از آن به‌عنوان حاکمیت شرکتی خوب یاد می‌شود (Kasmir, 2012).

ال‌جونوسی^۵ (۲۰۱۲م) در مطالعه خود تأکید نموده، در مجموع ۲۸۸ مشتری (۶۲ درصد) از ۴۶۳ مشتری درگیر در نظرسنجی (از ۱۴ بانک اسلامی در بحرین، بنگلادش و سودان) اظهار داشتند که آن‌ها اگر مشکوک به «نقض شرعی (تقلب)» در عملکرد یک بانک شرعی باشند، وجوه خود را به بانک اسلامی دیگری انتقال می‌دهند. این یافته نشان داد که رعایت موازین شرعی در تأثیرگذاری بر رفتار مشتریان در انتخاب بانک‌های اسلامی معنادار است. اصول اجرای حاکمیت شرکتی خوب شامل انصاف، شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، اخلاق و فرهنگ کاری است. در آموزه‌های اسلامی، این نکات به اصول اساسی در فعالیت‌ها و زندگی یک مسلمان تبدیل می‌شود. اما بیش از آن، اسلام در آموزش به‌کارگیری اصول عدالت، پاسخ‌گویی، اخلاق، امانت‌داری، بینش، شفافیت، صداقت، استقلال و آزادی مسئولیت‌پذیری، احسان و انصاف، مبارزه‌گری شرعی^۶، مدیریت، رهبری، عقیده و ایمان، تفکر مثبت و نظارت، بسیار جدی بوده است. این توصیف را می‌توان مشخص نمود که اسلام بسیار قبل‌تر از ایجاد حاکمیت شرکتی خوب بوده است، که بعداً به‌عنوان مرجعی برای حاکمیت شرکتی خوب در جهان مطرح شد (Nur, 2010).

5. Al Junusi

6. Fairness

۷. Sharia Militancy که با عنوان مبارزه‌گری شرعی شناخته می‌شود، برای جوامع برتر، همیشه با هوشمندی در تنظیم روش‌ها و راهبردها همراه است. محاسبات، تجزیه و تحلیل‌ها و ملاحظات عقلانی نیز چنین جامعه‌ای را غنی می‌کند. زیرا به اطلاعات و دانشی مجهزند که همیشه به روز است، همچنین، در گام‌های مختلف مبتنی بر عقل حرکت می‌کنند. از سوی دیگر، قدرت ذهنی که توسط قدرت فکری پشتیبانی می‌شود آن‌ها را به جامعه‌ای مبدل می‌سازد که از سطح بالایی از رقابت برخوردار هستند. جامعه‌ای که با روحیه بردبرد آماده مبارزه و آماده پیروزی است. در واقع، به‌الگویی برای جوامع دیگر مبدل می‌شود. البته این نکته حائز اهمیت است که مزیت‌های موجود محدود به یک دوره نمی‌شوند، بلکه همیشه پایدارند. به شکل عمیق‌تر، به این معنی است که انگیزه بسیار قوی برای دستیابی به اهداف وجود دارد، روحیه‌ای جنگنده که همواره مجهز به امید است. به اعتقاد نور (۲۰۱۰م) چنین جامعه‌ای بسیار ارزنده است. به این دلیل که جامعه از مبارزانی تشکیل شده که همیشه در حالت آماده‌باش هستند تا در هر کجا و هر زمان که لازم باشد رقابت نمایند.

ویسته راموس و دیگران^۸ (۲۰۲۰) و الجارانی و العبیاد^۹ (۲۰۲۰) در مورد بانک‌ها استدلال کردند که وجود حاکمیت شرکتی کارآمد ابزار مهمی برای کاهش تضادهای نمایندگی است، که ممکن است بین بستانکاران، مدیران و مالکان رخ دهد. آن‌ها اظهار داشتند که مدیران و مدیران مالکان^{۱۰} می‌توانند سرمایه‌گذاری‌ها و راهبردهای پرخطر را برای افزایش منافع خصوصی خود بدون در نظر گرفتن منافع مالکان خارجی و دارندگان بدهی انتخاب کنند. آن‌ها همچنین استدلال نمودند که مدیران می‌توانند از اختیارات خود در بانک‌ها برای سلب مالکیت مازاد جریان‌های نقدی آزاد ناشی از حساب‌های پس‌انداز سوءاستفاده کنند (Zagorchev & Gao, 2015). سیاست‌گذاران مالی بین‌المللی مانند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، کمیسیون اروپا و کمیته نظارت بانکی بازل نیز به صنعت خدمات مالی توصیه می‌کنند تا سامانه‌های خود را برای به حداقل رساندن ریسک بانک‌ها تقویت نمایند و از مالکان و سپرده‌گذاران در برابر هرگونه دست‌کاری ارقام توسط مدیران محافظت کنند. بررسی مبانی نظری و غربالگری تحلیلی، شاخص حاکمیت شرکتی در بخش بانکی نشان داد که هفت ابزار حاکمیت شرکتی با ظرفیت به‌کارگیری توسط بانک‌ها وجود دارد که عبارتند از: ۱- هیأت‌مدیره، ۲- مدیریت ریسک، ۳- حسابرسی داخلی، ۴- طرح پاداش، ۵- رعایت و اخلاق، ۶- نامزدی، ۷- افشا و شفافیت (سیف، ۱۳۹۳).

۳. نقش حاکمیت شرکتی در عملکرد بانک‌های اسلامی

بانک‌های اسلامی آن دسته از بانک‌هایی هستند که قوانین اسلامی را مبنای عملیات خود قرار می‌دهند. برای تضمین اینکه بانک‌ها قوانین اسلامی را به‌درستی اجرا کرده‌اند، هر بانک دارای یک هیأت ناظر شرعی^{۱۱} است. به‌عنوان نمونه، بند ۳ ماده ۳۲ قانون شماره ۲۱ در جمهوری اندونزی، توضیح می‌دهد که هیأت نظارت شرعی باید توصیه‌ها و پیشنهادهایی را به مدیران ارائه دهد و همچنین بر فعالیت‌های بانک خود براساس اصول اسلامی نظارت کند. اصول مذکور در اصل ۳۲، شامل سازگاری عملیات بانکی با فتوای مؤسساتی است که

8. Vicente-Ramos et al.

9. El-Chaarani and El-Abiad

10. Manager-Owner

11. Shariah Supervisory Board

صلاحیت تعیین فتوا در بخش‌های شرعی را دارند. باین‌حال، هیأت نظارت شرعی هر بانک عملکرد گسترده‌تری دارد. خواسته‌های جامعه اسلامی به‌عنوان استفاده‌کنندگان از بانک‌های اسلامی در مورد مدیریت بانک‌ها، نه‌تنها انطباق بانک‌ها با شریعت اسلام است، بلکه شامل اخلاق مدیریتی آن‌ها نیز می‌شود. دلیل اصلی این موضوع آن است که اسلام از تقلب نهی کرده و درواقع، اسلام تأکید می‌کند که همگان باید مورد اعتماد باشند. درواقع، گسترش فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی، افزایش تعداد ذی‌نفعان و گستردگی اطلاعات نامتقارن، ضرورت استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی امروزی را نشان می‌دهد. وظیفه حاکمیت شرکتی در نظام بانکی تنظیم سازوکاری است که از تمامی حقوق ذی‌نفعان این حوزه دفاع کند. در همین حال، بانکداری اسلامی می‌تواند به‌طور مؤثر اصول حاکمیت شرکتی را اجرا نماید. این نظام با داشتن انگیزه‌هایی مانند رقابت‌پذیری، ضوابط و مقررات خاص در بانکداری اسلامی، مردم را ملزم به رعایت شئون اسلامی و شرایط اخلاقی محیط سیاسی اجتماعی جامعه اسلامی می‌کند و می‌تواند بستر مناسبی برای تحقق این امر باشد. حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی توسعه سریع فناوری مالی صنعت بانکداری را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده (Hossain, Mominur, Sazzad & Razaul, 2020) و خدمات بانکی از طریق فناوری مالی در دهه گذشته تکامل یافته است. اجرای اصول و استانداردها به دلیل پیوند عمیق بین حاکمیت بانک‌ها و بازارهای مالی به افزایش کارایی بانک‌ها کمک می‌کند، زیرا مستلزم سرمایه‌گذاری در حقوق مالکیت است که اصول و استانداردهای صحیحی را برای مدیریت بانک‌ها ایجاد و اجرا می‌نماید (Mertzanis et al, 2019).

بسیاری از مطالعات حاکمیت شرکتی، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم ابزارهای حاکمیت شرکتی مورد استفاده بانک‌ها بر ریسک مالی و عملکرد را نشان داده‌اند. مطالعات متعدد حاکی از آن هستند که استفاده از شیوه‌های حاکمیت شرکتی مؤثر می‌تواند به‌طور قابل توجهی ریسک مالی را کاهش داده و عملکرد مالی را بهبود بخشد. به‌عنوان نمونه، آیر و دیگران^{۱۲} (۲۰۲۲) نشان داده شده‌اند که هیأت‌مدیره مستقل، شفافیت در گزارشگری مالی و کنترل‌های داخلی مؤثر رابطه مثبتی با ثبات مالی دارند. از سوی دیگر، شیوه‌های ضعیف حاکمیتی، مانند ضعف کنترل‌های داخلی و عدم شفافیت، با افزایش ریسک مالی و کاهش عملکرد مالی مرتبط است. ادبیات همچنین تأثیر غیرمستقیم حاکمیت شرکتی بر ریسک

مالی و عملکرد را بررسی کرده است. به عنوان نمونه، شیوه‌های حاکمیت شرکتی مؤثر می‌تواند اعتبار یک بانک را افزایش داده و اعتماد عمومی را بهبود دهد، که به نوبه خود می‌تواند منجر به افزایش وفاداری مشتریان و بهبود عملکرد مالی شود (Dicuonzo, Donofrio & Iannuzzi, 2022).

۴. نظارت شرعی در بانک‌های اسلامی

در دهه‌های اخیر با رشد چشم‌گیر بانکداری اسلامی، هیأت نظارت شرعی از عناصر جدی و جدیدی است که در کنار بانک‌ها قرار گرفته است. پیش‌ازین، با اینکه اساسنامه بانک‌های اسلامی بیانگر اسلامی بودن عملکرد بانک‌ها بوده است، هیچ‌گونه تضمینی برای اجرایی شدن دستورات دینی در عملیات بانکی وجود نداشت و حتی در برخی بانک‌های اسلامی عملیات ربوی نیز مشاهده می‌شد و این امر باعث می‌گردید تا عده‌ای از مسلمانان در مورد تطبیق فعالیت‌های بانکی با موازین شرع دچار شک و تردید شوند. این مسأله موجب شد اندیشمندان آگاه به مسائل بانکی و اقتصادی، نهادی به نام هیأت نظارت شرعی را مطرح کنند تا از این طریق تمام کارکرد بانک‌های اسلامی را رصد نمایند و مطابقت آن را با موازین شرع بررسی و در صورت مشاهده هرگونه خلاف، آن را به مقام‌های عالی هیأت گزارش کنند. افزون بر آن، هیأت شرعی با بررسی عملیات بانکی با موازین شرع مانع ترویج ربا، غرر، ضرر و همچنین باعث محدودیت یا ممنوعیت فعالیت‌های بانکداری متعارف در جوامع بشری به‌ویژه در جامعه اسلامی می‌شود. با ایجاد هیأت شرعی در بانک‌ها، ضریب اطمینان مسلمانان سپرده‌گذار نسبت به عملکرد بانک‌ها نیز افزایش یافت و در نهایت باعث رشد و توسعه صنعت بانکداری اسلامی در سطح جهان گردید (احمدی و کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷).

درواقع، هیأت نظارت شرعی یا هیأت شرعی یا هیأت مشورتی یا هیأت مذهبی، نهادی است مستقل که کلیه دستورالعمل‌ها، ابلاغیه‌ها، اقدامات، محصولات و خدمات صنعت مالی اسلامی (بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی) را با بستر شریعت، فقه و قوانین اسلامی مطابقت می‌دهد. به عبارت دیگر، مراد از هیأت شرعی، گروه سازمان‌یافته‌ای از افراد دارای دانش اقتصادی، بانکی، فقهی و حقوقی است که به بررسی و انطباق عملکرد بانک با احکام اسلامی می‌پردازد و در صورت لزوم، به ایجاد ابزارهای جایگزین شرعی و ارائه فتاوی‌

موردنیاز اقدام می‌کند (میرحسینی، ۱۴۰۱). همچنین، نظارت شرعی در بانکداری اسلامی به مجموعه اقدامات احتیاطی و نظارتی به‌منظور انطباق فعالیت‌های نظام بانکی با اصول و قوانین شریعت اطلاق می‌گردد. ضرورت وجود نظارت شرعی در نظام بانکی با مبانی فقهی چون قاعده‌ی نفی غرر، ممنوعیت ربا، لا ضرر، حفظ مصالح عموم، و عدم معصومیت حاکمان توجیه گردیده و مستندات قانونی متعددی نظیر اصل دو، چهار و هفتاد و یکم قانون اساسی و همچنین فلسفه وجودی تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و دیگر مقررات مرتبط، بر لزوم نظارت شرعی در این زمینه تأکید می‌ورزند. در همین راستا، مؤسسات بین‌المللی مالی اسلامی، راه‌کارهایی را به‌منظور اجرایی شدن نهاد مذکور در سیستم بانکداری کشورهای اسلامی ارائه نموده‌اند که در بیشتر کشورها با ساختار بانکداری اسلامی اعمال گردیده است (نوابی‌مقدم و دیگران، ۱۴۰۲).

افزون بر این، هیأت نظارت شرعی در بیشتر بانک‌های اسلامی بر دو رکن مهم استوار است:

یک) هیأت فتوا: این رکن عهده‌دار بخش فتوای هیأت نظارت شرعی، بررسی و پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات پیرامون عملیات بانکی است؛ یعنی در خصوص عملکرد بانک‌ها به تأیید یا رد، فتوا می‌دهند و همچنین در موقع لازم به ارائه عقود و ابزار شرعی جدید می‌پردازند.

دو) هیأت نظارت شرعی: این هیأت، یک‌نهاد مستقل از فقهای متخصص در زمینه مالی اسلامی و آگاه به فقه معاملات است و به‌منظور حصول اطمینان از سازگاری عملکرد مؤسسه‌های مالی اسلامی با احکام شرع و قوانین اقتصادی اسلام، بررسی و نظارت بر فعالیت‌های بانکی را به عهده دارد و در صورت تصویب در دولت و بانک مرکزی، تمامی فتاوا و دستورالعمل‌های آن برای نظام بانکی لازم‌الاجرا است. سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی^{۱۳} در سال ۲۰۲۰ میلادی، مجموعه‌ای از چارچوب قانونی وظایف و مسئولیت‌های اعضای هیأت نظارت شرعی را اعلام نموده است (میرحسینی، ۱۴۰۱).

آنچه در این خصوص حائز توجه است چارچوب نظارتی پذیرفته شده‌ای است که برای عملکرد نظام بانکی با شریعت در نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد.



شکل (۱): چارچوب نظارت شرعی بر سطوح حاکمیت شرکتی نظام بانکی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

البته در نظام بانکداری ایران میان لایه هیأت مدیره و کمیته‌های حسابرسی، امروزه لایه هیأت عامل حضور فعال و تأثیرگذاری دارد و نظارت شرعی عملاً این امکان را دارد تا در پنج لایه نسبتاً مستقل از یکدیگر تزریق و پیاده‌سازی شود.

۵. تقلب در بانک‌ها

براساس تعریف سازمان خدمات مالی اندونزی^۴ (۲۰۱۹) تقلب عبارت است از: «اقدام عمدی، فریب، کلاه‌برداری یا دست‌کاری بانک‌ها، مشتریان یا سایر طرف‌ها، با استفاده از تسهیلات و زیرساخت‌های بانکی، به طوری که بانک، مشتری یا طرف دیگر متحمل ضرر و زیان شوند، در این صورت، مرتکب از نظر مالی سود می‌برد». انتظار می‌رود که استفاده از

حاکمیت شرکتی خوب باعث کاهش تقلب در بانک‌ها شود. به‌کارگیری حاکمیت شرکتی خوب در شرکت‌ها مطابق با نظریه نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و نمایندگان را کاهش می‌دهد و اساساً سازمان، روابط با ذی‌نفعان را به‌طور مؤثر مدیریت می‌کند تا مطابق با نظریه ذی‌نفعان به بقای خود ادامه دهد و اجرای حاکمیت شرکتی خوب علامت خوبی است که انتظار می‌رود اطلاعات نامتقارن را مطابق با نظریه علامت‌دهی کاهش دهد. درواقع، این انتظار وجود دارد که با اجرای حاکمیت شرکتی خوب از وقوع کلاه‌برداری در بانک‌ها کاسته شود. در این مورد، استقلال هیأت‌مدیره، عنصری در ارزیابی حاکمیت شرکتی محسوب می‌شود که احتمال و میزان تقلب را کاهش می‌دهد (Beasley, 1996)؛ (Uzun, Szewczyk & Varma, 2004). به اعتقاد فهون و دیگران^{۱۵} (۲۰۰۵م) تقلب عبارت است از سوءاستفاده از سود یک سازمان بدون اینکه الزاماً به عواقب قانونی آن منتج شود. در تعریفی دیگر، تقلب به فرایندی اشاره دارد که طی آن یک یا چند نفر، به‌طور عمد و مخفیانه سایرین را از هر چیز باارزشی، به خاطر منافع شخصی خود محروم نمایند. به‌طور مشابه جنسن^{۱۶} (۱۹۹۳م) اظهار داشت که کمیته‌های حسابرسی می‌توانند پدیده تقلب را کاهش دهند. براساس مطالعه‌ای که توسط مگنانلی^{۱۷} (۲۰۱۰) انجام شد، تعداد مدیران عامل و میزان حقوق مدیرعامل بر رویداد و میزان تقلب تأثیر می‌گذارد. دلیل اینکه مدیرعامل دست به تقلب می‌زند این است که انگیزه‌ای برای دستیابی به هدف خود به دلیل سطح پاداش و اختیار سهام از سوی شرکت وجود دارد (Roell & Peng, 2006)؛ (Erickson, Hanlon & Maydew, 2006). ایندیرستاتی و آیفدا^{۱۸} (۲۰۱۱م) در مطالعه خود دریافتند که حاکمیت شرکتی تأثیر منفی بر تقلب دارد. درواقع، شواهد نشان داده که حضور کمیته‌های حسابرسی باعث کاهش وقوع تقلب می‌شود و وقوع تقلب در صورت‌های مالی همراه با افزایش تعداد جلسات کمیته حسابرسی کاهش می‌یابد (D'Onza & Rita, 2011). براساس مطالب ارائه‌شده، اعمال حاکمیت شرکتی خوب در بانک‌ها از تقلب جلوگیری می‌نماید.

15. Phua et al.

16. Jensen

17. Magnanelli

18. Indriastuti & Ifada

۵-۱. نقش حاکمیت شرکتی در کاهش تقلب در بانک‌های اسلامی

به‌طور کلی، نهادی در سیستم حاکمیت شرکتی که در اجرای اخلاق اسلامی توسط مدیریت نقش دارد، هیأت نظارت شرعی است. المطیری و قطینه^{۱۹} (۲۰۱۷م) و دیگران^{۲۰} (۲۰۱۳م) اثبات نموده‌اند که هر هیأت نظارت شرعی نقش اساسی در نظارت بر رفتار اخلاقی مدیریت بانک خود دارد تا با قوانین اسلامی مطابقت داشته باشد. افزون بر این، تقلب صورت‌های مالی عملی است که قوانین شریعت را نقض می‌کند (Anisykurlillah et al, 2020؛ Obid & Demikha, 2011). هر هیأت نظارت شرعی برای اطمینان از عملکرد بانک اسلامی خود مطابق با قوانین اسلامی عمل می‌کند، بنابراین نقش هیأت نظارت شرعی در جلوگیری از تقلب صورت‌های مالی بسیار حائز اهمیت است. مطالعات پیشین از شاخص‌های مختلفی برای اندازه‌گیری اثربخشی هیأت نظارت شرعی در مطالعات خود استفاده می‌کردند، مانند تعداد اعضا، تخصص آن‌ها و تعداد جلساتی که برگزار نموده‌اند (Nomran, Haron & Hassan, 2017). به‌عنوان نمونه، آنیسکرلیلا و دیگران^{۲۱} (۲۰۲۰) دریافتند که تخصص هیأت نظارت شرعی در امور مالی و حسابداری تأثیر کاهشی بر تقلب دارد. این یافته توسط مرسنی و بن عثمان^{۲۲} (۲۰۱۶م) پشتیبانی می‌شود که دریافتند تخصص هیأت‌های نظارت شرعی در حسابداری نیز می‌تواند مدیریت سود را کاهش دهد. تقلب صورت‌های مالی که عموماً توسط مدیران بانک‌ها انجام می‌شود ممکن است به دلیل مشکلات نمایندگی باشد. تضاد نمایندگی در بانک‌های اسلامی را می‌توان از طریق حضور هیأت نظارت شرعی کاهش داد (Al-Nasser Mohammed & Muhammed, 2017). افزون بر هیأت ناظر شرعی، یک کمیته حسابرسی مستقل نیز می‌تواند از تضاد منافع جلوگیری کند. در واقع، عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند منجر به کاهش کیفیت صورت‌های مالی شود. نهاد حیاتی در شرکت که در بهبود کیفیت صورت‌های مالی نقش دارد، کمیته حسابرسی است. حسابرسی مستقل، مدیریت و کمیته حسابرس نقش حیاتی در تهیه صورت‌های مالی خوب به‌منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی دارند. مدیریت مسئول تهیه صورت‌های مالی، ایجاد و حفظ کنترل

19. Almutairi & Quttainah

20. Quttainah et al.

21. Anisykurlillah et al

22. Mersni & Ben Othman

داخلی کافی بر صورت‌های مالی و ارزیابی آن‌ها است. حسابرس مستقل، مسئول اظهارنظر در مورد معقول بودن صورت‌های مالی و ارائه، از تمام جنبه‌های بااهمیت، وضعیت مالی بانک، نتایج عملیات آن و جریان‌های نقدی طبق استانداردهای تعیین شده است. کمیته حسابرسی باید با مدیریت، حسابرسان داخلی و مستقل به‌منظور کسب دانش موردنیاز به‌منظور نظارت مناسب برای این زمینه همکاری نماید. کمیته حسابرسی باید از تقلب، ازجمله تقلب صورت‌های مالی، سوءاستفاده از دارایی‌ها و فساد جلوگیری کند (Deloitte, 2018). چنانچه پیش‌تر اشاره گردید، در نظام بانکداری ایران میان لایه هیأت مدیره و کمیته‌های حسابرسی، امروزه لایه هیأت عامل حضور فعال و تأثیرگذاری دارد و نظارت شرعی عملاً این امکان را دارد تا در پنج لایه نسبتاً مستقل از یکدیگر تزریق و پیاده‌سازی شود. درعین حال اگر این لایه‌های مختلف حاکمیت شرکتی را به‌مثابه سقف‌های متعدد مقاوم در مقابل منابع مالی در اختیار بانک فرض نماییم، در حقیقت وجود نظارت در عملکرد هر یک از این سقف‌ها، ضمن کیفی سازی عملکرد مستقل هر یک از آن‌ها، اثر تجمعی قابل توجه‌تری را در کل سیستم می‌گذارد.



شکل (۲): جایگاه نظارت شرعی در لایه‌های حاکمیتی و مدیریتی و اجرایی بانک

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۵-۲. نقش هیأت نظارت شرعی در بهبود عملکرد و کاهش تقلب در بانک‌ها

بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی، لازم است ویژگی‌های خاصی داشته باشند و مقام ناظر وظیفه دارد همواره وجود این ویژگی‌ها را مورد ارزیابی و پایش قرار دهد. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که لازم است در عملیات بانکداری اسلامی موجود باشد، عبارتند از: عادلانه بودن تمامی روابط و مناسبات، سازگاری تمامی رفتارها با اخلاق اسلامی و تأمین اصول، مبانی، قواعد و دستورات فقهی در حوزه معاملات (مانند عدم اکل مال به باطل، نبود ربا، نبود غرر، نبود ضرر و نهایتاً درک صحیح طرفین از ماهیت روابط و وجود قصد معامله). از این رو، طبیعی است که نظارت بر بانک‌های اسلامی در برخی از حوزه‌ها، متفاوت از نظارت بانکی سنتی باشد. در واقع، نظارت شرعی نیز به این صورت قابل تعریف است: نظارت شرعی کلیه اقدامات احتیاطی و نظارتی به منظور اطمینان از انطباق فعالیت‌های بانک یا مؤسسه مالی اسلامی با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام است. هدف از این نظارت در نهایت دستیابی به اقدامات، فعالیت‌ها، تدابیر، اصول و روش‌هایی است که به وسیله آن‌ها بتوان ریسک شریعت در نظام بانکی (به‌طور عام) و یا یک مؤسسه مالی و یا بانک اسلامی (به‌طور خاص) را حداقل نمود و یا کاهش داد (موسویان، نظریور و کفشگر جلودار، ۱۳۸۸).

هنگامی که هیأت نظارت شرعی خدمات ارائه می‌دهد، باید هدف محصول مورد نظر را بداند و ممکن است امکان‌سنجی و پذیرش محصول توسط مشتریان را ارزیابی کند. همچنین ممکن است با مشاهده قوانین فقهی ثابت و در نظر گرفتن توسعه معاملات و نیازهای به‌سرعت در حال تغییر عموم، ارزیابی انجام دهد. هیأت نظارت شرعی در انجام وظایف خود این توجه را مدنظر قرار می‌دهد. توانایی‌های اعضای هیأت نظارت شرعی در زمینه‌های حقوق اسلامی، حسابداری، مالی و اقتصاد برای انجام وظایف هیأت نظارت شرعی مورد نیاز است (Farook, Kabir Hassan & Lamis, 2011). یکی دیگر از ویژگی‌های هیأت نظارت شرعی برای انجام وظایفش تعداد اعضای هیأت نظارت شرعی است. در واقع، تعداد بیشتری از اعضای هیأت نظارت شرعی قادر خواهند بود، رفتار فرصت‌طلبانه مدیران بانک خود را به حداقل برسانند و آن‌ها را از اعمال تقلب صورت‌های مالی بازدارند. بنابراین، مدیریت از رفتار مدیریت سود خود اجتناب خواهد کرد زیرا هیأت نظارت شرعی بانک در انجام نظارت مؤثرتر عمل می‌نماید. هر هیأت نظارت شرعی

علاوه بر نظارت بر مناسب بودن محصولات بانکداری اسلامی، بر اخلاقیات مدیران بانک خود نیز مطابق با اخلاق اسلامی نظارت می‌کند. به‌عنوان نمونه، قانون‌گذاران در اندونزی همه بانک‌های اسلامی را ملزم می‌کنند که یک هیأت نظارت شرعی متشکل از دو یا سه نفر داشته باشند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بانک‌های اسلامی در اندونزی در حال حاضر دارای هیأت نظارت شرعی با تعداد افراد بیشتر از حداقل مقدار مورد نیاز هستند. بنابراین، بانک‌های اندونزی می‌توانند با استخدام افراد بیشتر از حداقل تعیین شده در هیأت نظارت شرعی خود، تضمین نمایند که مطابق با قوانین اسلامی عمل می‌کنند. علاوه بر تعداد اعضای هیأت نظارت شرعی، همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر هیأت نظارت شرعی اگر اقدام به برگزاری تعداد مشخصی جلسات نماید، مؤثرتر است. جلسات بین هیأت نظارت شرعی و مدیران بانک نشان می‌دهد که خدمات مشاوره و نظارت به‌خوبی انجام شده است. از طریق این جلسات، یک هیأت نظارت شرعی می‌تواند با مدیران بانک خود در مورد ارزیابی جنبه‌های شرعی هر محصول جدید بانکی گفتگو و بحث نماید. از طریق این جلسات، هر هیأت نظارت شرعی و مدیران بانک‌ها می‌توانند به‌طور مشترک اخلاق کارکنان را مطابق با آموزه‌های اسلامی توسعه دهند. افزون بر این، نتایج مطالعات حاکی از آن است که هیأت نظارت شرعی در کشور به‌طور متوسط ۱۳ جلسه را در یک سال برگزار کرده‌اند. این تعداد جلسات بالاتر از حداقل استاندارد است که تنها ۱۲ بار در سال است. سه ویژگی که در ارزیابی هیأت نظارت شرعی‌ها استفاده شده، نشان می‌دهد که هیأت نظارت شرعی تأثیر منفی بر تقلب صورت‌های مالی دارد.

بنابراین می‌توان پذیرفت که در یک بانک اسلامی^{۲۳}:

۱. مدیران بانکی از مشاوران شرعی و هیأت نظارت انتظار دارند که از نظر قانونی، اجتماعی و شرعی در قبال ذی‌نفعان خارجی مانند سپرده‌گذاران، سهامداران، سازمان‌های نظارتی و مشتریان، مسئولیت و پاسخ‌گویی بالایی داشته باشند.
۲. مدیران بانک‌ها ترجیح می‌دهند در جهت تحقق عملکرد و نظارت متمرکز و بهینه، اعضای هیأت نظارت شرعی توسط بانک مرکزی منصوب شده و گزارش‌های عملکردی خود را به‌طور مستمر به بانک مرکزی ارائه دهند.

۲۳. برگرفته از میرحسینی (۱۴۰۱)

۳. نظام بانکی نیاز مبرم و فوری به مقررات مناسب و قابل اجرا و پیگیری توسط اعضای هیأت نظارت شرعی در مورد خدمات و محصولات جذاب صنعت مالی منطبق بر شرع اسلام دارند تا بتوانند اعتبارات بیشتری را از محل سرمایه مشتریان جذب کنند.

۴. مدیران بانکی برای دستیابی به اثربخشی در نظارت شرعی، انتظار دارند که اعضای هیأت شرعی کل جنبه‌های مربوط به انطباق عملکرد مؤسسات مالی با اصول شریعت را به دقت رصد و پالایش کنند تا بانک بتواند با اطمینان از دستورالعمل‌های خود، بازخورد خوبی در بین سرمایه‌گذاران به‌ویژه سرمایه‌گذاران مسلمان در اقصی نقاط جهان داشته باشد.

۵. نظام بانکداری اسلامی برای ارتقای کیفیت خدمات و محصولات خود انتظار دارد، هیأت نظارت شرعی به‌عنوان بازوی اصلی و یاری‌رسان صنعت مالی اسلامی، ممیزی‌ها و حسابرسی‌های خود را نه تنها قبل از اجرا بلکه پس از ارائه در بازار مالی نیز مورد کنکاش و رصد فراگیر قرار دهند تا در صورت نیاز به اصلاح و بهبود، به‌سرعت وارد عمل شوند.

افزون بر این، این احتمال وجود دارد که هیأت مدیره‌های مستقل هنوز هیچ‌گونه نظارتی بر رفتار مدیرانی انجام نداده‌اند که تقلب صورت‌های مالی را انجام می‌دهند. همچنین ممکن است که هیأت مدیره‌های مستقل هنوز توانایی و دانش کافی برای شناسایی تقلب صورت‌های مالی نداشته باشند. علاوه بر این برخی از مطالعات تأیید نموده‌اند که ممکن است هیأت مدیره‌های مستقل بانک‌های اسلامی به‌طور مؤثری از تقلب صورت‌های مالی جلوگیری نکرده باشند. ممکن است به دلیل مالکیت محدود بانک‌های اسلامی باشد. این مالکیت کمتر گسترده گاهی اوقات منجر تضاد منافع می‌شود که در نتیجه باعث اختلال در عملکرد هیأت مدیره به هنگام کنترل عملکرد بانک می‌شود و دارنده بلوک می‌تواند مستقیماً اطلاعاتی را از مدیران بدون بررسی اطلاعات ارائه‌شده در گزارش‌های سالانه بانک دریافت نماید. در نهایت، مهم‌ترین ثمره تشکیل هیأت نظارت شرعی در بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی، منافی است که برای جامعه و تقویت خیر و نیکی در بین عموم مردم به همراه دارد. در واقع تشکیل هیأت نظارت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات مالی اساساً اقدامی فرهنگی در راستای ترویج بانکداری اسلامی و جلوگیری از شیوع

رباخواری بوده و نشان‌دهنده اهمیت انطباق با شریعت برای بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی است که مدعی اسلامی بودن عملکرد خود است (میرحسینی، ۱۴۰۱). یکی از مهم‌ترین اثرات پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی، ایجاد تضاد منافع برای شکل‌دهی تبانی و تمایل بیشتر برای مقابله با تقلب از مسیر توسعه ضوابط به‌عنوان عامل تنظیم‌کننده‌ی روابط است. موضوع حاکمیت شرکتی و نقش آن در بهبود عملکرد و کاهش تقلب در بانکداری اسلامی مباحث جذاب و درحال‌توسعه محسوب می‌شوند و بیشتر مطالعات در طی چند سال گذشته به‌صورت تدریجی در حال بررسی و توسعه تئوریک آن هستند و مطالعات در این زمینه می‌تواند در طی چند سال آینده بسیار پویاتر نسبت به امروز و گذشته باشد. حاکمیت شرکتی با اندازه هیأت‌مدیره، دوگانگی مدیرعامل، اندازه کمیته حسابرسی، ساختار مالکیت و تنوع جنسیتی اندازه‌گیری می‌شود. برای کسب نتایج قوی، این مطالعه عملکرد بانک را با در نظر گرفتن شاخص‌های مختلف، یعنی بازده دارایی‌ها، سود هر سهم، کارایی فنی و بهره‌وری کل عوامل اندازه‌گیری می‌کند. اثر تعدیل‌کننده مالکیت بر ارتباط بین حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی در بانک‌ها تأثیر مثبتی بر عملکرد دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی خوب ارزش ایجاد می‌کند و باید منافع همه ذی‌نفعان تقویت شود.



شکل (۳): طراحی چندلایه حاکمیت شرکتی در سطوح نظارتی، مدیریتی و اجرایی بانک

منبع: (یافته‌های تحقیق)

مطابق آنچه پیش‌ازین ذکر گردید، توزیع قدرت تصمیم‌گیری در لایه‌های نظارتی، حاکمیتی و اجرایی بانک، اثر مستقیمی بر کاهش امکان تبانی و تقلب در تصمیمات نهایی را دارد. گسترش شبکه و توزیع تصمیم از یک فرد به یک گروه و از یک لایه به چند لایه که براساس رعایت اسناد بالادستی بازل به‌عنوان ضوابط تخصصی و هیأت نظارت شرعی به‌عنوان تطبیق‌دهنده موازین شرع، نقش بانک‌ها را به‌عنوان تسهیل‌کننده و محرک چرخه‌های اقتصادی و تجاری، به‌عنوان نهادهای مولد ثروت و به‌عنوان ارائه‌دهنده خدمات برای جوامع محلی، ملی و بین‌المللی، بهینه‌تر می‌نماید. در واقع، حاکمیت شرکتی، مفهوم تازه‌ای با تأکید بر پاسخ‌گویی به کلیه ذی‌نفعان، عنصری کلیدی در کارایی و رشد اقتصادی و نیز تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل به‌حساب می‌آید. حاکمیت شرکتی، منجر به شفافیت، کارایی قابل قبول در عملکرد، تخصیص کارآمد منابع، وجود مدیریت ریسک مؤثر، انتصابات تخصصی در بین مدیران، تأمین حقوق سپرده‌گذاران و تأمین حقوق تمامی ذی‌نفعان خواهد شد. در مطالعه حاضر، حاکمیت شرکتی و نقش آن در بهبود عملکرد و کاهش تقلب در بانکداری اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین، تبیین نقش هیأت نظارت شرعی در صنعت مالی اسلامی و انتظارات نظام بانکی از هیأت نظارت شرعی و تبیین وظایف و مسئولیت‌های هیأت نظارت شرعی به‌صورت کلی و از طریق ارائه نتایج و یافته‌های مطالعات پژوهشگران پرداخته شد.

نکته مهم در مورد تأمین مالی در اقتصاد ایران این است که بانک محور بوده و از این رو بیش از ۸۰ درصد نیازهای مالی اقتصاد توسط بازار پول و بانک‌ها تأمین می‌گردد. این موضوع، اهمیت نظام بانکی در رشد و توسعه اقتصاد ایران را به‌خوبی نمایان می‌سازد (ابریشمی، سبجانی، ماجد و آقالوی آغمیونی، ۱۳۹۹). افزون بر این، مطالعه در مورد حاکمیت شرکتی همیشه بسیار جالب به نظر می‌رسد، زیرا سهامداران و سایر ذی‌نفعان تمایل دارند، کسب‌وکار به‌صورت شفاف مدیریت و عملکرد مناسب و بدون تقلب در آن ایجاد شود. شرکت‌ها در فعالیتهای خود همیشه عملکرد خود را برای توسعه و بقای رقابت در کسب‌وکار حفظ و بهبود می‌بخشند

اگرچه بانکداری اسلامی با اصول اسلامی عمل می‌کند، اما هنوز تقلب‌های زیادی وجود دارد که به‌طور عمد، برای موارد خاص انجام می‌شود. بر طبق نتایج مطالعات، حاکمیت شرکتی تأثیر قابل توجهی بر تقلب در تأمین مالی دارد (Choliso & Hadziq,)

2021). از سویی، خودارزیابی حاکمیت شرکتی در تمام بانک‌ها ارزشمند است. این موضوع نشان‌دهنده شکست بانک در اجرای حاکمیت شرکتی محسوب می‌شود. پدیده جالب‌توجه در این مورد آن است که چگونه بانک‌ها تلاش می‌کنند عملکرد خود را بهبود بخشند تا مورد اعتماد و جذابیت سپرده‌گذاران قرار گیرند. از این رو، تلاش برای حفظ اعتماد و جذب سپرده‌گذاران، بانک‌ها را به پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی در اداره تجارت خود سوق داده است. در واقع، ظهور مفهوم حاکمیت شرکتی به دلیل تقاضای عمومی برای شرکت‌ها و بانک‌های مطمئن، درست و مسئولیت‌پذیر بوده است. حاکمیت شرکتی همواره در راستای شرایط و تحولات تجاری و اقتصادی اجرا می‌شود. از این رو، به‌منظور رویارویی با توسعه روزافزون و پیچیده تجارت جهانی که مملو از ریسک و چالش است، پدیده حاکمیت شرکتی به‌صورت یکپارچه در همان گروه اجرا می‌شود. کاربرد حاکمیت شرکتی، ریسک و انطباق است که در سازمان جامع و یکپارچه و باهدف افزایش اثربخشی و کارایی سازمان و همچنین نظارت بر اقدامات برای انطباق با اخلاق و ریسک‌پذیری است (Vicente-Ramos, Reymundo, Pari, Rudas & Rodriguez, 2020). سطح انطباق حاکمیت شرکتی نشان‌دهنده اقدامات سازمان برای انجام تعهدات نظارتی است که هدف آن محافظت از مردم در مقابل ضررهای احتمالی سرمایه‌گذاری در صنعت بانکداری محسوب می‌شود. این مطالعه با تجزیه و تحلیل تأثیر ویژگی‌های هیأت‌مدیره، به‌ویژه چگونگی تأثیر اعضا مستقل هیأت‌مدیره و ابزارهای آن‌ها بر انطباق حاکمیت شرکتی انجام شده است. نتایج نشان داد که اندازه هیأت‌مدیره، نسبت اعضا مستقل، تجربه اعضا و اندازه کمیته حسابرسی عواملی بودند که مدیریت صنعت بانکداری را تشویق نمودند تا انطباق با حاکمیت شرکتی شرکت‌های خود را بهبود بخشند. این موضوع حاکی از آن است که نظارت هیأت‌مدیره به‌عنوان سازوکار مؤثر برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی عمل می‌کند.

الام و دیگران^{۲۴} (۲۰۱۹م) بیان نموده‌اند چارچوب حاکمیت شرعی فرآیندی ساختاری است که توسط آن بانک‌های اسلامی بر فعالیت‌های خود نظارت و کنترل را اعمال می‌نمایند. آنان طی مطالعه‌ای مناظر کلی حاکمیت شرکتی بانک‌های اسلامی در بنگلادش را توصیف نموده‌اند. همچنین، شیوه‌های جاری، مشکلات، مسائل قانونی و مقرراتی را با

استفاده از یک روش قیاسی بررسی کرده و پیشنهادهایی برای بهبود چارچوب حاکمیت شرعی ارائه می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که سیستم حاکمیت شریعت در بنگلادش عمدتاً داوطلبانه است تا نظارتی و عدم وجود چارچوب حاکمیت شرعی کامل، یکی از مشکلات آن است. افزون بر این، بانک‌ها باید با تشریح نقش‌ها، اختیارات و وظایف همه ذی‌نفعان، چارچوب حاکمیت شرعی متمرکز جامع ارائه دهند تا از پاسخ‌گویی وظایف آن‌ها اطمینان حاصل نمود و کیفیت پیروی از شریعت را بهبود بخشید. علاوه بر این، بانک مرکزی می‌تواند هیأت نظارت شرعی مرکزی ایجاد کند تا بتواند بر فعالیت‌های کلی بانک‌های اسلامی نظارت و اختلاف بین ذی‌نفعان در خصوص مسائل شرعی بانک‌های اسلامی را حل نمود. حاکمیت شرکتی دارای اثر تعدیلی بر رابطه بین تأمین مالی داخلی و تقلب مالی در سیستم بانکی است (فتحی و ابوطالبی، ۱۴۰۱). به دلیل وجود سه متغیر واسطه‌ای، سه فرضیه در مورد تأثیر حاکمیت شرکتی بر متغیرهای مذکور و سه فرضیه در مورد تأثیر متغیرهای واسطه‌ای بر عملکرد مالی و یک فرضیه در مورد تأثیر مستقیم حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی طراحی شده است. براساس نتایج به‌دست‌آمده حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی، ساختار سرمایه، تقسیم سود و سرمایه‌گذاری تأثیر دارد. ضمناً هر سه متغیر ساختار سرمایه، تقسیم سود و سرمایه‌گذاری بر عملکرد مالی تأثیر دارد. ابعاد ساختار مالکیت اثر معناداری بر حاکمیت شرکتی بانک‌ها نداشته است، اما بر عملکرد مالی بانک‌ها می‌تواند اثر معکوس معناداری داشته باشد (اسعدی و ابری، ۱۳۹۹). ابعاد نظام حاکمیت شرکتی از اثر مستقیم معناداری بر عملکرد مالی بانک‌ها برخوردار است و نشان می‌دهد بهبود سازوکار حاکمیت شرکتی می‌تواند به‌طور معناداری موجب بهبود عملکرد مالی بانک‌ها شود. درنهایت نتایج نشان داده که نظام حاکمیت شرکتی می‌تواند از شدت اثر منفی ابعاد ساختار مالکیت بر عملکرد مالی بانک‌ها بکاهد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مطالب ارائه‌شده حاکی از آن است که یک مؤسسه مالی اسلامی باید از مشارکت آگاهانه در معاملاتی که هریک از الزامات قانونی شرعی را نقض می‌کند یا آن‌ها را دور می‌زند، اجتناب ورزد تا در معرض خطر عدم انطباق قرار نگیرد. چنین عملکردی نیازمند استقرار و فعالیت هیأت نظارت شرعی مستقل و پویا است تا بتواند به اقدامات بانکی، سمت‌وسوی

بهینه ببخشد. یکی از حقوق ذی‌نفعان یک بانک یا مؤسسه اعتباری بانکی اسلامی (شامل مدیران، کارکنان، مشتریان، حاکمیت و عموم مردم) این موضوع است که بدانند مؤسسه‌ای که با آن ارتباط دارند، تا چه میزان فعالیت‌هایش با شریعت منطبق است. در این راستا یکی از خدمات هیأت نظارت شرعی بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی، تدوین گزارش انطباق با شریعت است. این گزارش که معمولاً به صورت سالانه تدوین شده و به مجمع عمومی بانک و سپرده‌گذاران ارائه می‌شود، در رابطه با میزان انطباق با شریعت فعالیت‌ها اظهار نظر کیفی می‌نماید. همچنین، مهم‌ترین درسی که می‌توان از تجارب بانک‌های اسلامی در سایر کشورها برای نظام بانکی کشور ایران دریافت نمود آن است که بانکداری بدون ربا در کنار قانون مستقل، نیازمند ساختار نظارتی و حاکمیت شرکتی خوب است. در واقع، بدون طراحی ساختار نظارتی مؤثر نمی‌توان به اجرای قانون امید زیادی داشت. یکی از مهم‌ترین مسائل این است که در حال حاضر به دلیل تمرکز دولت و مجلس بر اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا، فرصت بی‌بدیلی جهت استفاده از تجارب و استانداردهای بین‌المللی جهت تبدیل مفهوم هیأت نظارت شرعی به یک بستر قانونی فراهم شده است. در واقع، مسئول نظارت و تطبیق شرعی وظیفه دارد مقررات و طرح‌های داخلی بانک‌ها را از حیث رعایت ضوابط شریعت مورد پایش و نظارت قرار دهد و به هیأت‌مدیره بانک‌ها کمک کند تا شبهات شرعی را رفع نمایند.

با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر، ایجاد سازوکار حاکمیت شرکتی مناسب و قوی، احتمالاً انگیزه‌ای در بانک‌ها برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و تأمین مالی را به شکل مناسب‌تری به همراه خواهد داشت. از آنجایی که اسلام به شدت بر استقرار حاکمیت شرکتی در میان افراد مسلمان تأکید کرده است، به نظر می‌رسد سازوکارهای حاکمیت شرکتی شرعی نقش مهمی در این زمینه ایفا نماید. به بیان دقیق‌تر، هیأت نظارت شرعی به‌عنوان پیشنهاد نظریه نمایندگی، برای برآوردن نیازهای ذی‌نفعان مختلف، به‌ویژه سپرده‌گذاران در بانک‌های اسلامی ایران اجرا شود. علاوه بر این، بانک‌ها و مدیران آن‌ها می‌دانند که ایجاد سازوکارهای حاکمیت شرکتی کارآمد نه تنها عملکرد مالی آن‌ها را بهبود می‌بخشد، بلکه رتبه بانکی آن‌ها را در راستای ایفای رسالت خویش در افزایش ثروت و ایجاد ارزش‌افزوده اقتصادی برای سهامداران و جامعه، بهبود می‌بخشد. افزون بر این، سیاست‌گذاران ممکن است با طراحی و اجرای سازوکارهای حاکمیت شرکتی مؤثر و

کارآمد، مانند تشکیل هیأت‌مدیره‌های شرعی و گسترش فرهنگ اسلامی در بین بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اسلامی به ادامه حیات آن‌ها کمک نمایند. در واقع، احتمالاً جامعه از یافته‌های مطالعه حاضر، به‌گونه‌ای بهره می‌برد که شکوفایی اقتصادی و اجتماعی آن‌ها به‌طور قابل‌توجهی به فعالیت‌های مناسب بانک‌ها، به‌ویژه اقدامات آن‌ها در چارچوب قوانین اسلامی و شرعی آن‌ها بستگی دارد.

به‌بیان‌دیگر، حاکمیت شرکتی خوب می‌تواند زیربنای عملکرد عالی بانک باشد، اما حاکمیت شرکتی بد، ثبات و سلامت را در بانک از بین می‌برد و زمینه تقلب را افزایش می‌دهد. درنهایت، مطالعه حاضر، براساس چندین نظریه حاکمیتی شناخته و پذیرفته شده مانند نظریه نمایندگی، نظریه مباشرت و نظریه عدم تقارن اطلاعاتی مباحث مرتبط را ارائه نموده است. براساس یافته‌ها می‌توان استناد نمود که برای ذینفعان مختلف، به‌ویژه برای سیاست‌گذاران، آگاهی از عوامل مؤثر بر معیارهای مختلف عملکرد از اهمیت بالایی برخوردار است. به‌طور خاص، براساس این یافته‌ها، آن‌ها می‌توانند سازوکارهای عمل‌گرا را برای ارتقای عملکرد مالی و واقعی بانک‌ها طراحی نمایند. همچنین، پیشنهاد می‌گردد که هم سرمایه‌گذاران و هم مالکان شاخص‌های حاکمیتی را هنگام ارزیابی عملکرد بانک‌ها با استفاده از معیارهای حسابداری، مبتنی بر بازار، کارایی و بهره‌وری در نظر بگیرند.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تلاش‌هایی برای ترجمه استانداردهای حاکمیت شرکتی و توصیه آن‌ها به بانک‌ها نموده است. توصیه‌هایی که اغلب بر اساس سازوکار حسابداری داخلی و ایجاد شفافیت در صورت‌های مالی بانکی، استقرار نظام مدیریت اعتبارات و ارزیابی عملکرد مدیران بانکی تمرکز داشته است. یکی از آخرین اقدامات بانک مرکزی در این راستا، تدوین و ابلاغ آیین‌نامه حاکمیت شرکتی به بانک‌های غیردولتی در سال ۱۳۹۶ است. این دستورالعمل خاطرنشان می‌سازد کلیه مؤسسات اعتباری غیردولتی موظف هستند ظرف مدت یک سال از ابلاغ این دستورالعمل، ساختار حاکمیت شرکتی خود را مطابق با مفاد دستورالعمل مذکور پیاده‌سازی کرده و گزارش اقدامات انجام‌شده را جهت ارائه به شورای پول و اعتبار به بانک مرکزی ارسال کنند. تاکنون گزارشی در خصوص میزان پیاده‌سازی استانداردهای حاکمیت شرکتی در بانک‌های ایرانی و چالش‌های پیش‌رو، توسط بانک مرکزی منتشر نشده است.

توصیه می‌گردد تا علاوه بر وجود کمیته حسابرسی داخلی و کمیته ریسک، کمیته حاکمیت شرکتی در هر بانک به صورتی عمل‌گرا ایجاد گردد که راهبردها و دستورالعمل اجرایی حاکمیت شرکتی خود را داشته باشند و عملکرد بانک در زمینه استقرار حاکمیت شرکتی توسط نهادی نظارتی مورد پایش و پالایش قرار گیرد.

ملاحظات حقوقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهش نیست.

کتابنامه

۱. ابریشمی، حمید؛ سبحانی، حسن؛ ماجد، وحید؛ و آقاولی آغمیونی، اکرم (۱۳۹۹). بررسی تاب‌آوری نظام بانکی با تمرکز بر رفتار مصرف‌کنندگان تسهیلات و شاخص‌های سلامت بانکی. *فصلنامه مطالعات رفتار مصرف‌کننده*، ۷(۲)، ۱۹۸-۱۷۲.
۲. احمدی، غلامعلی؛ و کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی (۱۳۹۷). الگوی مطلوب هیأت شرعی در بانکداری اسلامی با استفاده از تکنیک AHP. *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، ۵(۱۷)، ۱۶۵-۱۹۸.
۳. اسعدی، عبدالرضا؛ و ابری، محمدعلی (۱۳۹۹). اثر ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانک‌ها: با رویکرد معادلات ساختاری. *فصلنامه اقتصاد پولی مالی*، ۲۷(۱۹)، ۲۴۸-۲۲۳.
۴. تقوی، مهدی؛ احمدیان، اعظم؛ و کیانوند، مهرا (۱۳۹۲). اثر تحلیلی بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی در کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها). *فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۶(۱۹)، ۴۵-۶۶.
۵. شاه‌کرمی، فرزاد؛ رستم‌زاده، رضا؛ فیضی، جعفرصادق؛ پاسبان، محمد؛ و آذر میرشتربانی، نیما (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری سازمانی در شبکه بانکداری در شرایط تحریم. *فصلنامه رهیافت‌های نوین در مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی*، ۴(۴)، ۱۴۳-۱۲۱.
۶. فتحی، سعید؛ و ابوطالبی، حمید (۱۴۰۱). تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها با استفاده از روش فراتحلیل. *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۴(۲)، ۱۷۸-۱۵۳.

۷. موسویان، سیدعباس؛ نظریور، محمدنقی؛ و کفشگر جلودار، حسین (۱۳۸۸). نقش شورای تخصصی فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی (مطالعه تجربه چند کشور اسلامی). *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۹(۳۶)، ۵۹-۸۸.
۸. میرحسینی، سیدمهدی (۱۴۰۱). هیأت‌های نظارت شرعی؛ راه‌حلی ویژه برای بانکداری جهانی. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۹. نوابی‌مقدم، زینب؛ زارع، علی؛ یوسفی صادقلو، احمد؛ و جمالی، جعفر (۱۴۰۲). بررسی فقهی و حقوقی نظارت شرعی و راه‌کارهای اجرایی شدن آن در نظام بانکداری اسلامی. *فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی*. (در دست انتشار).
10. AbdulRasheed, A., Babaita, I. S., & Yinusa, M. A. (2012). Fraud and Financial Crimes Prevention and Control in Nigeria: A Sociological Analysis. *International Journal of Asian Social Science*, 2(3), 214-219.
11. Aina, K. (2004). The Role of Auditors in Fraud Detection, Prevention and Reporting in Nigeria.
12. Al Muhaisen, R. A., & Alobidyeen, B. Z. (2022). Corporate Governance and Corporate Performance: The Case of Jordanian Banking Sector. *International Journal of Business and Administrative Studies*, 8(2), 105.
13. Alam, N., Ramachandran, J., & Nahomy, A. H. (2020). The Impact of Corporate Governance and Agency Effect on Earnings Management—A Test of the Dual Banking System. *Research in International Business and Finance*, 54, 101242.
14. Almutairi, A. R., & Quttainah, M. A. (2017). Corporate Governance: Evidence from Islamic Banks. *Social Responsibility Journal*, 13(3), 601-624.
15. Al-Nasser Mohammed, S. A. S., & Muhammed, J. (2017). The Relationship Between Agency Theory, Stakeholder Theory and Shariah Supervisory Board in Islamic Banking: An Attempt Towards Discussion. *Humanomics*, 33(1), 75-83.
16. Anisykurlillah, I., Jayanto, P. Y., Mukhibad, H., & Widyastuti, U. (2020). Examining The Role of Sharia Supervisory Board Attributes in Reducing Financial Statement fraud by Islamic Banks. *Banks and Bank Systems*, 15(3), 106.
17. Basel Committee on Banking Supervision. (2015). Corporate Available Online: <https://www.bis.org/bcbs/publ/d328> (accessed on 20 July 2022).
18. Beasley, M. S. (1996). An Empirical Analysis of the Relation Between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud. *Accounting Review*, 443-465.

19. Chapra, M. U. & Ahmed, H. (2002). Corporate Governance in Islamic Financial Institutions. Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank, Jeddah.
20. Cholisoh, L., & Hadziq, M. F. (2021). Implementation of GCG (Good Corporate Governance) on the Prevention of Fraud Financing in Islamic Banks. *El-Qish: Journal of Islamic Economics*, 1(2), 98-108.
21. D'Onza; & Rita, L. (2011). The Relationship Between Corporate Governance Characteristics and Financial Statements Frauds: An Empirical Analysis of Italian Listed Companies. Research Gate. <https://www.researchgate.net/publication/281461117>. Conference Paper May 2011.
22. Dagaci, .A. (2011). Fraud a Significant Threat Facing Government Business and Individuals in Nigeria.
23. Deloitte. (2018).The Role of the audit Committee. Retrieved from <https://www.deloitte.com/content/dam/Deloitte/us/Documents/center-for-board-effectiveness/us-audit-committee-resource-guide-section-2.pdf>.
24. Dicuonzo, G., Donofrio, F., Iannuzzi, A. P., & Dell'Atti, V. (2022). The Integration of Sustainability in Corporate Governance Systems: an Innovative Framework Applied to the European Systematically Important Banks. *International Journal of Disclosure and Governance*, 19(3), 249-263.
25. El-Chaarani, H., & El-Abiad, Z. (2022). The Impact of Public Legal Protection on the Internal Corporate Governance Efficiency in Banking Sector. *Journal of Economic and Administrative Sciences*.
26. El Junusi, R. (2012). Implementasi Syariah Governance Serta Implikasinya Terhadap Reputasi dan Kepercayaan Bank Syariah. *Al-Tahrir: Jurnal Pemikiran Islam*, 12(1), 87-111.
27. Erickson, M., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2006). Is There a Link Between Executive Equity Incentives and Accounting Fraud?. *Journal of Accounting Research*, 44(1), 113-143.
28. European Commission. (2010). Corporate Governance in Financial Institutions and Remuneration Policies. *Green Paper, COM*, 284.
29. Farook, S., Kabir Hassan, M., & Lanis, R. (2011). Determinants of Corporate Social Responsibility Disclosure: The Case of Islamic Banks. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 2(2), 114-141.
30. Hafeez, D. M. M. (2013). An Analysis of Corporate Governance in Islamic and Western Perspectives. *International Journal of Business, Economics and Law*, 2(3).
31. Hopt, K. J. (2021). Corporate Governance of Banks and Financial Institutions: Economic Theory, Supervisory Practice, Evidence and Policy. *European Business Organization Law Review*, 22, 13-37.
32. Hossain, M. A., Rahman, M. M., Hossain, M. S., & Karim, M. R. (2020). The Effects of Green Banking Practices on Financial Performance of Listed

- Banking Companies in Bangladesh. *Canadian Journal of Business and Information Studies*, 2(6), 120-128.
33. Indriastuti, M., & Ifada, L. M. (2011). Pengaruh Kualitas Pelaksanaan Corporate Governance Dan Kompleksitas Bank Terhadap Fraud (Studi Kasus Pada Bank Umum Tahun 2010). *Jurnal Ekonomi dan Bisnis*, 12(2), 168-178.
 34. Jensen, M. C. (1993). The Modern Industrial Revolution, Exit, and the Failure of Internal Kontrol Systems. *Journal of Finance*, 48(3), 831-880.
 35. Khan, M. T., Al-Jabri, Q. M., & Saif, N. (2021). Dynamic Relationship Between Corporate Board Structure and Firm Performance: Evidence from Malaysia. *International Journal of Finance & Economics*, 26(1), 644-661.
 36. Magnanelli, A. (2010). The Role of Corporate Governance in Financial Statement Fraud. PhD Thesis in LUISS. Libera Università Internazionale degli Studi Sociali. Academic Year 2009-2010. XXIII Cycle.
 37. Mersni, H., & Ben Othman, H. (2016). The Impact of Corporate Governance Mechanisms on Earnings Management in Islamic Banks in the Middle East Region. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 7(4), 318-348.
 38. Mertzanis, C., Basuony, M. A., & Mohamed, E. K. (2019). Social Institutions, Corporate Governance and Firm-Performance in the MENA Region. *Research in International Business and Finance*, 48, 75-96.
 39. Mingka, A. (2011). GCG Bank Syariah Dan Peran DPS." www.Shariaeconomics.Com. <https://shariaeconomics.com/tag/gcg-bank-syariah-dan-peran-dps>.
 40. Nomran, N. M., Haron, R., & Hassan, R. (2017). Bank Performance and Shari'ah Supervisory Board Attributes of Islamic Banks: Does Bank Size Matter?. *Journal of Islamic Finance*, 176(5872), 1-14.
 41. Nur, A. R. (2010). Konsep Good Corporate Governance (GCG):(Studi Komparatif Antara Konsep GCG Bank Muamalat Indonesia Dan Bank Tabungan Negara).
 42. Obid, S. N. S., & Demikha, L. (2011). Earnings Management: Islamic Perspective. *Asia Pacific Journal of Accounting and Finance*, 2(1), 77-89.
 43. Organization for Economic Cooperation and Development.OECD Publications Service.(2009). Corporate Governance and Financial Crisis., Key Findings and Main Messages.
 44. Phua, C., Lee, V., Smith, K., & Gayler, R. (2010). A Comprehensive Survey of Data Mining-Based Fraud Detection Research. *arXiv Preprint arXiv:1009.6119*.
 45. Quttainah, M. A., Song, L., & Wu, Q. (2013). Do Islamic Banks Employ Less Earnings Management?. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 24(3), 203-233.

46. Rini, R. (2014). The Effect of Audit Committee Role and Sharia Supervisory Board Role on Financial Reporting Quality at Islamic Banks in Indonesia. *Journal of Economics, Business, & Accountancy Ventura*, 17(1), 145-156.
47. Röell, A., & Peng, L. (2006). Executive Pay, Earnings Manipulation and Shareholder Litigation. In *AFA 2005 Philadelphia Meetings*.
48. Sehen Issa, J., Abbaszadeh, M. R., & Salehi, M. (2022). The Impact of Islamic Banking Corporate Governance on Green Banking. *Administrative Sciences*, 12(4), 190.
49. Uyar, A., Wasiuzzaman, S., Kuzey, C., & Karaman, A. S. (2022). Board Structure and Financial Stability of Financial Firms: do Board Policies and CEO Duality Matter?. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 47, 100474.
50. Uzun, H., Szewczyk, S. H., & Varma, R. (2004). Board Composition and Corporate Fraud. *Financial Analysts Journal*, 60(3), 33-43.
51. Vicente-Ramos, W., Reymundo, K., Pari, L., Rudas, N., & Rodriguez, P. (2020). The Effect of Good Corporate Governance on Banking Profitability. *Management Science Letters*, 10(9), 2045-2052.
52. Zagorchev, A., & Gao, L. (2015). Corporate Governance and Performance of Financial Institutions. *Journal of Economics and Business*, 82, 17-41.